

چگونگی تأثیر معرفت توحیدی "عالم ذر" در دنیا براساس آیات و روایات

سیمین کرمی پناه^۱

چکیده

انسان پیش از گام نهادن در دنیا عوالمی را پشت سر گذاشته و آیه ۱۷۲ سوره اعراف اشاره به پیمانی دارد که او در عالم ذر قبل از این دنیا با آن مواجه می شود . پس معرفت ما به خداوند، ریشه در عوالم قبل از این دنیا دارد و آیات و روایات از معرفتی شهودی صحبت می کنند که ما در عالم ذر نسبت به خدا پیدا کردیم. چنین معرفتی در ما تثبیت شده و پا به این دنیا گذاشتمیم. اما نکته مهم در ارتباط با معرفت توحیدی عالم ذرفراموشی چنین حادثه ای از سوی انسان هاست. این معرفت فطری در حالت اضطرار و هنگام شداید و مواجهه با مرگ ظهور می یابد و همچنین در حالت اختیار، به تذکر فرستادگان الهی می تواند شکوفا شود، تا آن اتفاق و شهود الهی به یادمان آید و حقیقت معرفت توحیدی در ما ایجاد شود. برای درک چگونگی ظهور معرفت توحیدی در این عالم، ابتدا تعاریفی از عالم ذر، معرفت فطری در آیات و روایات و سپس عوامل فراموشی معرفت توحیدی و چگونگی شکوفایی آن بیان شده است.

کلید واژه ها: عالم ذر، دنیا، معرفت، توحید، معرفت توحیدی.

^۱. طلبه سطح ۲ حوزه علمیه الزهرا شیراز

مقدمه

به عقیده مسلمانان عالم ذر یا روز آست یکی از جهان‌های آفرینش است که در قرآن و روایات به آن اشاره شده است.

اینگونه نیست که ابتدای خلقت ما همان زمان تولد ما در دنیا باشد، بلکه انسان مسافری است که طبق آیات و روایات، عالم اروح، عالم ذر و عالم ارحام و اصلاح را پشت سرگذاشته و دنیا عالم میانی است که انسان آن را طی می‌کند و بعد از دنیا، عالم بزرخ، قیامت و نهایت یکی از دو سرنوشت بهشت و جهنم در انتظار اوست.

یکی از مسائل مهمی که در خلقت انسان همواره مورد توجه متكلمين و مفسرین بوده، پیمانی است که خداوند از انسان در عالم ذرگرفته است. در برخی از روایات اسلامی این پیمانی که از انسان در عالم ذرگرفته شده، مربوط به فطرت نیز می‌دانند و مرتبط بودن این پیمان با فطرت را یکی از پایه‌های این پیمان قلمداد می‌کنند. معرفت توحیدی در عالم ذر، یکی از مهم‌ترین حوادث عوالم قبل است که از همه ذرات پیمانی بر توحید و ربویت خدا و نبوت پیامبران و ولایت اوصیا گرفته شد و سپس آن افراد که بصورت ذره بودند از بین رفتند و یا به جایگاه اولی خود بازگشتبند.

در این تحقیق پس از بررسی معنای عالم ذر، آیات و روایاتی که در زمینه معرفت توحیدی وجود دارد را بررسی می‌کنیم و عوامل شکوفایی این معرفت و غفلت از آن را بیان می‌داریم.

۱-مفهوم شناسی واژه ذر و عالم ذر

ذر: درلغت به معنای کوچک وریز از هر چیزی می‌آید. اصل در ماده این لغت پراکندن به صورت ذرات ریز است. در اصطلاح به مورچه‌های کوچک ذر گفته می‌شود، به دلیل آنکه وقتی از لانه خود خارج می‌شوند بصورت ذرات پراکنده می‌شوند. مانند ذراتی که درهوا پراکنده می‌شوند. واحد آن، ذره خواهد بود. بعضی گفته اند که ذره چیزی است که وزنی ندارد و از آن تعبیر می‌شود به ذرات غباری که درشعاع نوری که از پنجره تابد، دیده می‌شود.

ذریه: که درمعنای نسل، یا فرزندان کوچک و کم سن وسال می‌باشد. بنابرقولی از ریشه ذر گرفته شده است. به معنی موجودات بسیار کوچک، ازاین نظر که فرزندان انسان نیز از نطفه بسیار کوچکی آغاز حیات می‌کنند^۱

عالیم ذر: درلغت عالم را جمع مخلوقات یا جهان آفرینش معنا کرده اند. عالم و جهان، ابزار وآلتش است که بر ایجادکننده و صانعش دلالت دارد و اما عالم ذر به عالمی گفته می‌شود که در آن پیمانی به حکم فطرت و آفرینش، هرکس با خدای خود بسته است.

۲- عالم ذر و معرفت فطري درقرآن

آیات زیادی در ارتباط با عوالم قبل از دنیا، به خصوص عالم ذرمی توان ارائه کرد که مهمترین و مشهورترین آیه در رابطه با عالم ذر و معرفت توحیدی آن، آیه ۱۷۲ و ۱۷۳ سوره اعراف است که آیه میثاق نامیده شده است و در پرتو آن به عالم ذر توجه شده است «وَ اذ أَخْذَرْبِكَ مِنْ بَنِي آدَمْ مِنْ ظَهُورِهِمْ ذُرِّيَّتِهِمْ وَأَشَهَدُهُمْ عَلَى أَنفُسِهِمْ أَلْسُتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلِّي شَهَدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كَنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ». این آیات دلالت محکم و بدون شک بر عالمی است که درزمانی از ما قبل خلقت بدن‌های بشر شکل گرفته است.

^۱ مصطفوی، التحقیق، ج ۳، صص ۳۳۰-۳۳۱/ ابن منظور، لسان العرب، ج ۴، ص ۳۰۴/ معلوم، فرهنگ منجدی، ص ۲۳۴.

ائمه معصومین(علیهم السلام) با اشارات و تفاسیری این آیه را یادآوری کرده اند به طوریکه برای مردم زمان خودشان قابل فهم باشد شاید که نوری بردل آنها تاییده شود و از غفلت دوری جویند.^۱

آیت الله مکارم شیرازی در تفسیر نمونه و در خصوص این آیه آورده است:

منظور از این عالم و این پیمان همان "عالمن استعدادها" و "پیمان فطرت" و "تکوین و آفرینش" است. به این ترتیب که به هنگام خروج فرزندان آدم به صورت نطفه از صلب پدران به رحم مادران که دران هنگام ذراتی بیش نیستند، خداوند استعداد و آمادگی برای حقیقت توحید به آنها داده است، هم درنهاد و فطرتشان این سر الهی به صورت یک حس درون ذاتی به ودیعه گذارده شده است و هم در عقل و خردشان به صورت یک حقیقت خودآگاه. بنابراین همه افراد بشر دارای روح توحیدی هستند. سؤال وجودیهای این پیمان یک پیمان فطری بوده است که الان هم هر کس در درون خود آنرا حس می‌کند و حتی طبق تحقیقات روانشناسان، "حس مذهبی" یکی از احساسات اصیل روان ناخودآگاه انسانی است و همین حس است که بشر را در طول تاریخ به سوی خداشناسی رهنمون ساخته است.^۲

علامه طباطبایی(ره) نیز به تفسیر این آیه پرداخته و بیان کرده اند که :

«وإذ أخذ ربك» یعنی بیان سابق را برای اهل کتاب اتمام نموده و داستان اخذ میثاق را برایشان نقل کن و یا برای مردم نقل کن آن بیانی را که این سوره به خاطر آن نازل شده و آن این است که برای خدا عهدی است برگردان بشر که از آن عهد بازخواست خواهد کرد و اینکه بیشتر مردم با اینکه حجت برایشان تمام شده، به آن عهد وفا نمی‌کنند. برای مردم موطنی ذکر کن که در آن خداوند، از صلب های بشر ذریه شان را گرفت به طوری که احده از افراد نماند، مگر اینکه مستقل و مشخص از دیگران باشد و خداوند ذات وابسته به پروردگارشان را به ایشان نشان داد و علیه خود گواهشان گرفت و ایشان در آن لحظه غایب از پروردگارش نبوده و پروردگارشان هم از ایشان محجوب نبود، بلکه به عینه دیدند که او پروردگارشان است، هم چنان که هر موجود دیگری به فطرت خود و از ناحیه ذات خود، پروردگار خود را می‌یابد، بدون اینکه از او محجوب باشد. خطاب وجواب "اللستْ بریکم قالوا بَلِی شهِدُنا" از باب زبان حال نیست، بلکه خطابی است حقیقی و کلامی الهی است و خدای تعالی هم کاری کرده و در نهاد بشر القائی کرده است که بشر مقصود خدا را از آن فهمیده و درک می‌کند که باید به ربویت پروردگارش اعتراف نماید و به این عهد ازلی وفا کند. انسان در می‌یابد که در قیامت که بساط برچیده می‌شود و اموری که انسان را از این اعتراف درونی غافل می‌کند، از بین می‌رود و پرده‌هایی که میان بشر و پروردگارش حائل بوده است، برچیده می‌شود و بشر به خود می‌آید و این حقایق و آنچه را که میان او و پروردگارش

^۱ استانی، ۱۳۷۵: ۵۹۶ / راغب اصفهانی، ۱۴۱۳، ۱۴۱۳: ۵۸۱ / مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۷، ۴۲۹۷.

^۲ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۷، ۷۰۶.

گذشته بود به یاد می آورد.^۱

بطور کلی نکاتی رامی توان از این آیات به دست آورد:

۱. خدای متعال، فرزندان بنی آدم را در زمانی خاص از پشتیان بیرون کشید که به صورت ذره های کوچک بودند.

که پس از پیوستن روح به بدن و بهره مند کردن آنها از شعور، عقل و اختیار کامل، به آنان خطاب کرد:
«اللَّسْتُ بِرَبِّكُمْ» آیا من پروردگار شما نیستم؟ همگی در پاسخ گفتند: آری.

۲. وقتی خداوند مورد خطاب قرار می دهد، یعنی انسان حضور خدا را دیده است و آنگاه که انسان حضور خدا را بیابد، دیگر جای شک و شبیه نمی ماند و این معرفت دراو است و جای انکار ندارد.

۳. خداوند این خطاب و اتمام حجت را بطور عمومی به همه انسانها کرده پس هیچکس عذر و بهانه ای ندارد و همه از این معرفت و شهود بهره مندند.

۴. همه انسانها در عالم ذر، با خدا این پیمان را بسته و اتمام حجت با آنها شده است و به همین دلیل در روایات به این معرفت، فطرت هم گفته شده و حجت خدا بر خلق به وسیله‌ی همین معرفت فطري تمام شده است.^۲

۳. عالم ذر و معرفت فطري در روایات

روایات زیادی در ارتباط با این عالم گرد آوری شده است. روایات عالم ذر مطالب مهمی برای ما روشن می کند که ما در این مقاله بیشتر به توحید فطري و معرفت توحیدی می پردازیم.

از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمودند: همانا خداوند عز و جل زمانی که ذریه حضرت آدم را از پشت اخارج کرد، برای اینکه ازانها بر ربوبيت خود و نبوت تمام پیامبران پیمان بگیرد، نخستین کسی که برنبودش پیمان گرفته شد، محمد بن عبدالله صلوات الله بود، سپس خداوند به حضرت آدم علیه السلام فرمود:

^۱ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۸: ۳۲۲ و ۳۲۳.

^۲ بیانی اسکوئی، ۱۳۹۴ص، ۴۴۴.

بنگر چه می‌بینی؟ حضرت آدم علیه السلام به ذریه اش نگاه کرد. درحالیکه به صورت ذرات آسمان را پرکرده بودند. آدم علیه السلام گفت: پروردگارا چقدر ذریه من زیادند، برای چه کاری آنها را خلق کردی؟ مقصودت از گرفتن پیمان از آنها چیست؟ خداوند عزوجل فرمود: مرا عبادت کنند و چیزی شریک من قرار ندهند و به پیامبرانم ایمان اورند و از آنها پیروی کنند.^۱

امام علی علیه السلام با اشاره به آیه میثاق فرمود: وقتی خدای سبحان انسان‌ها برپذیرش ربوبیت خدا عبودیت خودشان تعهد گرفت و آنها پذیرفتند، محصول این تعهد بصورت ورقه‌ای دردهان حجرالاسود که در آن روزداری چشم ودهان بود قرار گرفت؛ او این ورقه را به دهان گرفت و در خود نگاه داشت و می‌داند که چه کسی تعهد داده و به چه چیزی متعهد گشته است. وقتی انسان وی را دید می‌بود که همان عهد وفا و درواقع، ربوبیت خدا و عبودیت خویش را تازه می‌کند و همین حجرالاسود در قیامت به توحید کسی شهادت می‌دهد که آن را استلام کند.^۲

امام صادق علیه السلام در عنوان آیه ۱۷۲ سوره اعراف می‌فرمایند "ثبت المعرفة في قلوبهم" "معرفت توحیدی در قلب‌های آدمیان ثابت گردید".

که این روایات و روايات بسیار دیگری که اشاره به تثبیت معرفت توحیدی در عالم ذر دارد. روایات دیگری نیز وجود دارد که بیانگر فراموشی عالم ذر توسط انسان‌ها است. که چنین اتفاقی از ذهن انسان‌ها فراموش می‌شود و یا ازیاد می‌برند. امام صادق علیه السلام در این رابطه می‌فرمایند: در حادثه عالم ذر، معرفت خداوند در قلوب انسانها ثبت شد ولی آن جایگاه ازیادشان رفت.

آنچه در ارتباط با ضرورت معرفت عالم ذر در روایات آمده این است که فرموده‌اند: اگر عالم ذر و آن حادثه معرفی خدا و تثبیت معرفت توحیدی در قلوب انسانها نبود، کسی خالق و راز خود را نمی‌شناخت.

به عبارت دیگر اگر چنین معرفتی در عالم نبود و ما در شکل ذری مان در عالم ذر به معرفت خود نائل نمی-

^۱ فیض کاشانی، ج. ۱، ق. ۹۱، ۴۲۰.۴ / عیاشی، ج. ۱۳۱، ق. ۸.۱
^۲ مجلسی، ۱۴۰۴، ص. ۲۸۰، ح. ۱۶.

شدیم، در این دنیا هیچ راه و زمینه‌ای برای شناختن خداوند متعال برایمان نبود.

درینجا بیان می‌داریم که در رابطه با آیه میثاق آمده است که پس از تثیت معرفت در قلوب انسانها و فراموشی آن صحنه و معرفت بیان شده، روزی انسانها آنرا به یاد می‌آورند و این یادآوری در حالت سختی وااضطرار و اختیار خواهد بود. که چگونگی این یادآوری به این صورت است:^۱

الف: یکی از این دو صورت زمانی است که انسان گرفتار اضطرار و سختی شود که دست او از همه چیز کوتاه - شود و مرگ رادر مقابل خود می‌بیند.

ب: دوم زمانی است که انسان تحت تعالیم پیامبران خدا و تذکرات آنها، این معرفت فراموش شده را بیاد می‌آورد.

در حالت اول اینکه براساس آیات و روايات یکی از شرایطی که انسان از غفلت و فراموشی معرفت عالم ذر بیرون می‌آید، به خدای فطری درون خود روی آورده و او را در قلبش می‌باید و انسان در شرایطی است که در گرفتاری بسیار سخت و مهلكی گیرکرده و دستش از همه اسباب کوتاه است. مثلاً در آیاتی از قرآن خداوند می‌فرماید: وقتی انسان در معرض غرق شدن در دریا قرار می‌گیرد خدا را با اخلاص می‌خواند. (مثل سوره یونس آیه ۲۲)

این گروه از آیات راین موضوع دلالت می‌کند که معرفت خداوند متعال در فطرت همه انسان هاست و همان معرفت تثیت شده‌ای است که در دنیا به فراموشی سپرده شده است.

در روایتی امام صادق علیه السلام از کسی که از ایشان می‌پرسند خدا را نشانم بده؟ امام می‌فرمایند: آن شئ ای که در لحظه‌ای که بدترین اتفاق برایت در حال رخ دادن بود و راه نجاتی نداشتی و فقط به آن امید داشتی آن همان خداست که بالاتر از همه نجات دهنده‌گان است.

در حالت دومی که انسان معرفت را به یاد می‌آورد این بود که این معرفت فراموش شده در حالت اختیار و بوسیله پیامبران بیاد می‌آورد. اینکه چون انسان‌ها در دنیا دچار فراموشی و غفلت می‌شوند، خداوند متعال پیامبرانش را فرستاده تا به آن‌ها توجه و تذکر دهند و یادآوری معرفت عالم ذر، تحت تربیت پیامبران حاصل

۱. برگی، ۱۳۷۱، ص ۲۸۱

میشود و آن‌ها تذکر می‌دهند و دستوراتی نیز از طرف خدا ارائه می‌دهند. خداوند بوسیله‌ی آیات قران کریم و دعوت پیامبران بندگان را از فراموشی بیرون آورده و آن‌ها را متوجه معرفت فطری شان نسبت به خداوند می‌کند. شیطان بشر را اغوا می‌کند و می‌خواهد انسان‌ها از معرفت عالم ذر درغفلت و فراموشی به سر برند و دائمًا سعی او برای وجود آوردن شرایطی است. هرچه بیشتر براین غفلت دامن زند تا اینکه در انسان‌ها چنین معرفتی شکوفا نشده و معرفت الهی به بار ننشیند. این اصلی ترین موانع غفلت معرفت توحیدی در قران روایات است.^۱

این نکته در خور ذکر است که شیطان در غفلت و فراموشی معرفت عالم ذر نقش دارد و متقابلاً می‌خواهد انسان هارا از این معرفت به سمت غفلت سوق دهد و دائمًا در تلاش است. که در قران شیطان دشمن قسم خورده انسان است و در روایات بسیاری به شیطان و تلاش‌های او در این باره بیان شده است.

^۱ مجلسی، ۱۴۰۴، ص ۲۳۲، ج ۱۴

نتیجه گیری

یادآوری معرفت فراموش شده برای مومن و کافر در حال اضطرار و هنگام مواجهه با مرگ صورت می‌گیرد و این واقعه اتمام حجتی است برای کافران و موجب افزایش ایمان مومنین است. ولی نکته مهم یادآوری معرفت فراموش شده در حالت اختیار و از طریق تعالیم انبیا علیهم السلام است و این وظیفه بسیار مهم است طوریکه خداوند آنان را تذکر دهنده می‌نامد. جالب اینکه نقش شیطان نقطه مقابل رسالت انبیا است، زیرا که با وسوسه به انجام شراب و قمار و کارهای حرام انسان را هرچه بیشتر در غفلت و نسیان فرومی‌برد. عمل به واجبات و ترک محرمات و دستورات انبیا الهی باعث می‌شود که عهد و پیمان معرفت ما به خدا قوی تر گردد.

فهرست منابع و مأخذ

*قرآن کریم

١. ابن منظور، محمدبن مکرم، لسان العرب، جلد ٥، دارالفکر، ١٤١٤ق.
٢. بیابانی اسکوئی محمد، جایگاه عالم ذر وارواح در فطرت توحیدی انسان، انتشارات نبأ، ١٣٩٤.
٣. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، بیروت دارالقلم، چاپ اول . ١٤١٢
٤. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم چاپ پنجم . ١٣٨٤،
٥. عیاشی، محمدبن مسعود، تفسیر العیاشی، هاشم رسولی محلاتی، تهران، چاپ اول، ١٣٨٠ق.
٦. مجلسی، محمدباقرین محمدتقی، بحار الانوار، چاپ دوم . ١٤٠٣،
٧. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن کریم، بیروت، چاپ سوم . ١٤٣٠
٨. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، ١٣٧٤،